



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## بررسی مفهوم تربیت از منظر روانشناسی تربیتی در آموزش کودکان دوره ابتدایی

اسماعیل شرافت<sup>۱</sup>، حامد حیدرپور زرگ آباد<sup>۲</sup>، مجتبی حاجی زاده<sup>۳</sup>، حسین مهدی قلی زاده<sup>۴</sup>

۱- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه

۲- لیسانس آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد واحد سلماس

۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد تبریز

۴- لیسانس آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد واحد سلماس

*esysharafat@gmail.com*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم تربیت از منظر روانشناسی تربیتی در آموزش کودکان دوره ابتدایی انجام شد. عده‌ای روانشناسی تربیتی را شاخه‌ای از روانشناسی می‌دانند که چگونگی کاربرد اصول و یافته‌های روانشناسی را در موقعیت‌های آموزش و پرورشی بررسی می‌کند. تربیت کودکان در دوره ابتدایی از اهمیت بسیاری برخوردار است و به عنوان یکی از مسئولیت‌های اصلی معلمان در این مرحله تحصیلی محسوب می‌شود. در این مقاله، مفهوم تربیت از منظر روانشناسی بررسی شده است. بر اساس نظریات روانشناسان، تربیت به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که به منظور رشد و توسعه فرد انجام می‌گیرد. تربیت شامل آموزش، پرورش و ترغیب به رفتارهای صحیح و مناسب می‌شود. در این راستا، معلمان باید با استفاده از روش‌های مناسب و با توجه به وضعیت هر دانش‌آموز، فعالیت‌های تربیتی را انجام دهند. همچنین، باید به دقت به نیازها و مشکلات دانش‌آموزان توجه کنند و راهکارهای مناسبی برای حل آن‌ها ارائه دهند. در نتیجه، بررسی مفهوم تربیت از منظر روانشناسی می‌تواند به معلمان کمک کند تا بهترین روش‌های آموزش و پرورش را برای دانش‌آموزان خود انتخاب کنند. در نتیجه، تربیت کودکان در دوره ابتدایی از اهمیت بسیاری برخوردار است و معلمان باید با استفاده از روش‌های مناسب و با توجه به وضعیت هر دانش‌آموز، فعالیت‌های تربیتی را انجام دهند. همچنین، باید به دقت به نیازها و مشکلات دانش‌آموزان توجه کنند و راهکارهای مناسبی برای حل آن‌ها ارائه دهند. بررسی مفهوم تربیت از منظر روانشناسی می‌تواند به معلمان کمک کند تا بهترین روش‌های آموزش و پرورش را برای دانش‌آموزان خود انتخاب کنند و در نهایت به رشد و توسعه فرد کودکان خود کمک کنند.

**کلمات کلیدی:** تربیت، کودکان، روانشناسی، آموزش ابتدایی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

واژه روانشناسی، ترجمه کلمه (psychology) است. این کلمه مشتق از دو کلمه یونانی و به معنای علم روح یا علم نفس است. روان‌شناسی یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت است که به مطالعه علمی رفتار و فرایندهای ذهنی می‌پردازد و روان‌شناسی تربیتی امروزه به‌عنوان تعلیم و تربیت تجربی و یا شاخه‌ای از روان‌شناسی کاربردی شناخته شده است. در این مقاله به بررسی روان‌شناسی تربیتی می‌پردازیم. در ابتدا تعریفی کوتاه خواهیم داشت از روان‌شناسی تربیتی و پس از آن به‌صورت خلاصه به بررسی بزرگان روان‌شناسی تربیتی و اهداف و کاربردهای این رشته خواهیم پرداخت. تعریف «روان‌شناسی تربیتی» به «آنچه روان‌شناسان درباره تعلیم و تربیت گفته‌اند»، تعریف رایجی نیست و کسی به چنین تعریفی از روان‌شناسی تربیتی نرسیده است. با این حال، این یکی از چند تعریف محتمل است. ارزش چنین تعریفی در آگاهی یافتن بر نظراتی است که در طول تاریخ، از زمان فیلسوفان یونان تا زمان حاضر، درباره این مسئله بیان شده و دارای اثرات عملی است که بر روی کار معلمان و متخصصان تربیتی گذاشته است. برای مثال، می‌توان از نظریه «روان‌شناسی فاکولته» که طبق آن، ذهن انسان از استعدادهایی مجزا و مستقل از یکدیگر همچون حافظه، استدلال، اراده و قضاوت تشکیل یافته است، نام برد و این که دروسی همچون ریاضی، هندسه، منطق و مواد درسی دیگری از این قبیل می‌توانند این قوای ذهنی را تقویت کنند. (انتظام ذهنی) «به کار بستن و یا اعمال اصول، نظریه‌ها و یافته‌های تحقیقی دانش روان‌شناسی در موقعیت‌های تربیتی» دومین تعریف از «روان‌شناسی تربیتی» است. کسانی که این تعریف را پذیرفته‌اند، روان‌شناسی تربیتی را شاخه‌ای از «علم» روان‌شناسی می‌دانند و «روان‌شناسی تربیتی بخشی از مجموعه بزرگ‌تری است که به‌طور کلی، محتوای روان‌شناسی را در رابطه با «مطالعه علمی رفتار» تشکیل می‌دهد. (حسینی، ۱۳۸۹).

موضوع روان‌شناسی تربیتی «تدریس و یادگیری» است و مباحث این رشته از معرفت مستقیم و یا غیرمستقیم، به‌طور کلی بر محور این دو مفهوم دور می‌زنند. مقدم داشتن تدریس بر یادگیری در تعریف مزبور تصادفی نیست؛ زیرا صرف نظر از این که این دو لازم و ملزوم یکدیگر نیستند، اما در آموزشگاه همیشه اولی مقدم بر دومی است. وانگهی در همه تعاریف ارائه شده از «تعلیم و تربیت» مفهوم تدریس تصریحاً و یا تلویحاً وجود دارد؛ مفهومی که متأسفانه در روان‌شناسی تربیتی معمولاً از آن غفلت می‌شود. (حسینی، ۱۳۸۹).

## روانشناسی تربیتی چیست؟

روانشناسی تربیتی مطالعه چگونگی تدریس و تربیت و کارایی آن‌ها در وضعیت‌های آموزشی، در روان‌شناسی تدریس و یادگیری، در روان‌شناسی دانش‌آموز و معلم و کلاس و مدرسه و در روان‌شناسی اجتماعی محیط‌ها و سازمان‌های آموزشی است. روان‌شناسی تربیتی با حوزه‌های دیگر علوم، به‌ویژه با دانش‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، فلسفه و اخلاق، فرهنگ و هنرها و پزشکی و بهداشت در ارتباط است. روان‌شناسی تربیتی را گاهی شاخه‌ای از روان‌شناسی و گاهی شاخه‌ای از تعلیم و تربیت دانسته‌اند. ریشه کلمه یونانی پداگوژی به معنای «راهبری دانش‌آموز» است (وول فولک وین و پری)

اصطلاح پداگوژی در برخی از دانشگاه‌های آمریکا یک نوع دکترای افتخاری با عنوان دکترای پداگوژی به افرادی اعطا می‌شود که کارهای برجسته‌ای در زمینه تعلیم و تربیت انجام داده‌اند. دانشمندانی همچون ژان آموس کمنیوس، پوهان هنریش پستالوتزی، فردریک فروبل، ماریا مونته سوری، جان دیوئی، رودلف اشتاینر، سلسنتین فرنه و پائولو فریره را می‌توان در شمار مریبان شناخته شده جهان به حساب آورد. پداگوژی را گاهی استفاده درست از راهبردهای تدریس دانسته‌اند. مثلاً پائولو فریره، روش‌های آموزش به بزرگسالان را «پداگوژی انتقادی» نامید و معلم را مسئول تدریس درست مبتنی فلسفه انسانی آگاهی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بخشی و قراردادن دانش آموزان در محور تعلیم و تربیت دانسته است. او بر این باور است که دانش و تجربه و وضعیت شخصی و محیطی و پیشینه دانش آموزان و هدف های آموزشی را که معلم و دانش آموزان تعیین می کنند، بایده اساس کار تدریس و تربیت قرار داد. سنن تعلیم و تربیتی پداگوژیت در قرن نوزده و بیست میلادی نیز بر دیدگاههای رهایی بخش رنسانس استوار بود و اندک اندک چهره جهان را متحول کرد. امروز این دیدگاه در میان روانشناسان و متخصصان تعلیم تربیت پذیرفته شده که روانشناسی تربیتی یک رشته علمی مشخص است که دارای نظریه های خاص، روش های پژوهش، مسائل و فنون خاص خویش است. روانشناسی تربیتی مطالعه و تحقیق در اندیشه و احساس و عمل کسانی است که مشغول ارائه و دریافت تدریس و تربیت در یک محیط آموزشی و پرورشی هستند و برنامه تعلیم و تربیتی خاصی را دنبال می کنند.

روانشناسی تربیتی دانشی متمایز از سایر رشته های روانشناسی است و اولین هدف آن فهمیدن و بهبود بخشیدن به تعلیم و تربیت است. کار روانشناسی تربیتی مطالعه روان شناسانه مسائل روزمره تدریس و تربیت است. در جریان این مطالعات است که اصول، الگوها، نظریه ها، اقدامات تربیتی و روش های عملی تدریس و تربیت و ارزیابی جریان ها و تجلیات اندیشه و عواطف و رفتار دانش آموزان و فرآیندهای پیچید اجتماعی و فرهنگی مدارس بررسی می شود.

روانشناسی تربیتی، نه با روانشناسی بلکه، با تدریس و تربیت و با چگونگی کار معلمان و مربیان آغاز می شود. تا وقتی ندانیم که کار تدریس و تربیت در مراکز آموزشی و پرورشی چگونه است و معلمان و مربیان با چه مسائلی در کار خود روبه رو هستند، نمی توانیم به اهمیت روانشناسی تربیتی برای حل آن مسائل پی ببریم روانشناسی تربیتی در پی ترکیبی از مدل ها و روش ها و مهارت های برگرفته از دانش روانشناسی با عملکرد معلمان و دانش آموزان و مدارس است. یافته های روانشناسی رشد (در جنبه های جسمی، شناختی، زبانی، اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و تفاوت های فردی)، روان شناسی یادگیری (در رویکردهای متفاوت رفتاری، شناختی، پردازش اطلاعات و مدل های انسان گرایانه)، روانشناسی انگیزش و شخصیت، اصول و روش های تدریس، آزمون و سنجش و ارزشیابی، بهره گیری از اطلاعات و تصمیم گیری برای بهبود تدریس و مسائل ناتوانی یادگیری و محرومیت های اجتماعی و فرهنگی و زبانی در آموزش، عنوان های اصلی این رشته را تشکیل می دهند. به نوشته گیج و برلینر (۱۳۷۹، ص ۵۰)، روانشناسی تربیتی در واقع رشته علمی پایه ای در تعلیم و تربیت و بخشی بسیار مهم از دانش روانشناسی و تعلیم و تربیت است. به خلاف کسانی که روانشناسی تربیتی را «کاربرد روانشناسی در تدریس» می دانند و یا کسانی که روانشناسی تربیتی را «پلی در حد فاصل روانشناسی و تعلیم و تربیت» به حساب می آورند، روانشناسی تربیتی مهم ترین سرمایه علمی برای تدریس و یادگیری و تربیت و یک رشته مستقل علمی است که در انجام کار دشوار و پیچیده تعلیم و تربیت به ما کمک می کند.

روانشناسی تربیتی، می تواند در بسیاری از جنبه های عملی آموزش به ما بصیرت بدهد. این علم، ایده هایی در مورد عوامل مؤثر بر یادگیری در خانواده، مدرسه، محیط های شغلی و محیط اجتماعی ارائه می دهد. روانشناسی تربیتی، همچنین در مدیریت آموزشی، برنامه ریزی درسی، مشاوره و سایر جنبه های آموزشی و پژوهشی و کاربردی تدریس و تربیت حائز اهمیت بسیار است.

دانش روانشناسی تربیتی، عموماً، دارای پنج وظیفه اساسی است: انتخاب هدف ها؛ شناخت ویژگی های دانش آموز؛ شناختن و به کار بردن نظریه های مربوط به فرآیند یادگیری و رشد؛ انتخاب و به کارگیری روش های تدریس و تربیت و ارزشیابی یادگیری و رشد دانش آموزان. هر یک از پنج وظیفه ای که در الگوی فرآیند تدریس و تربیت (لطف آبادی، ۱۳۸۷، ص ۳۹) مشاهده می شود دارای بنیادهای نظری و اصول و قوانین مبتنی بر پژوهش هستند. این نظریه های بنیادی، همانند سایر نظریه های علوم انسانی، نزد دانشمندان و مکاتب گوناگون روانشناسی و روانشناسی تربیتی و متفاوت از یکدیگرند. به همین دلیل ما باید نظریه های معینی را برای تبیین هر یک از موضوع های تدریس و تربیت انتخاب کنیم. این انتخاب باید هم دارای بنیاد علمی و خردمندانه و هم دارای تناسب اجتماعی و فرهنگی باشد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جدا از اتکا به نظریه‌های محکم پایه‌ای، تدریس و تربیت باید بر اساس اصول و قوانینی صورت گیرد که در پژوهش‌های روانشناسی تربیتی به‌دست آمده است. کار در هر یک از پدیده‌های تدریس و تربیت، در هر زمان و در هر شرایط نیاز به بررسی‌ها و پژوهش‌هایی جدید دارد، تا بتوان از درستی آن مطمئن شد. از این طریق می‌توان اطلاعاتی سازمان‌یافته از هر پدیده یا هر یک از مفاهیم تدریس و تربیت به دست آورد. درحالی‌که دستیابی به اصول روانشناسی تربیتی از نظریه‌پردازی آغاز می‌شود، تبیین درستی اصول پژوهشی از طریق بازنگری نظریه‌های پایه‌ای و بررسی سازوکارهایی که تعیین‌کننده و نظام‌بخش تدریس و تربیت است حاصل می‌شود. نظریه‌ها و اصول روانشناسی تربیتی، وسیله‌ای اساسی در دستیابی به هدف‌های تدریس و تربیت است. اما، به‌کارگیری آن‌ها پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌شود. برنامه و عمل تدریس و تربیت نیز باید بر پژوهش‌های محکم روانشناسی تربیتی، خاصه بر پژوهش‌های کیفی و مطالعات موردی، بنا شود. برای آنکه خود معلم چنین پژوهش‌هایی را در جریان تدریس و تربیت و صورت دهد نیازمند برخورداری از غنای دیدگاه‌های نظری و شناخت مبانی و قوانین روانشناسی تربیتی و اندیشه نقاد و ذهن جستجوگر است. چنین معلمی معمار اصلی تدریس و تربیت به‌شمار می‌آید (لطف‌آبادی، ۱۳۸۷).

## تعریف روانشناسی

عده‌ای روانشناسی تربیتی را شاخه‌ای از روانشناسی می‌دانند که چگونگی کاربرد اصول و یافته‌های روانشناسی را در موقعیت‌های آموزش و پرورشی بررسی می‌کند. برخی روانشناسی تربیتی را یکی از شاخه‌های روانشناسی که به مطالعه ویژگی‌های یادگیرنده، شرایط یادگیری و روش‌های آموزشی می‌پردازد تعریف می‌کنند برخی نیز روان‌شناسی تربیتی را نظام علمی - کاربردی، پژوهشی - خدماتی باهدف توسعه دانش و مهارت‌های تخصصی در زمینه‌های تربیتی تعریف کرده‌اند. درمجموع می‌توان گفت روان‌شناسی تربیتی، علمی است که به ماهیت و چگونگی یادگیری، روش‌های آموزشی، سنجش و ارزشیابی آموخته‌های یادگیرندگان می‌پردازد. این علم با به‌کارگیری معلومات حاصل از موضوعات و میدان‌های مورد مطالعه علوم دیگر، معلومات دیگری به وجود می‌آورد که در زمینه آموزش و مسائل آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. (کریمی، ۱۳۸۰). صاحب‌نظرانی که در پیدایش روانشناسی تربیتی نقش زیاد داشته‌اند عبارت‌اند از: گزل، مک دوگال - گلدفارب، جان بالبی و استنلی هال. در قرن بیستم آلفرد بینه و همکارانش سیمون آزمون هوش تدوین نمودند و این به شناسایی کودکان کم‌هوش و آموزش آنان کمک زیادی نمود. اما علل کم‌هوشی مشخص نبود. پیشرفت‌های روانشناسی تربیتی در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در این دوره نظریه جان دیوئی آمریکایی که توجه به روش علمی بود مطرح شد و مطالعه مربوط به یادگیری را رونق بخشید و تأکید بر این بود که انسان باید در جریان یادگیری فعال باشد. نظریه روان‌پویایی فروید هم در این زمان مطرح شد. (کریمی، ۱۳۸۰).

## تاریخچه روانشناسی تربیتی

از زمانی که ویلهلم وونت در سال ۱۸۷۹ آزمایشگاه روان‌شناسی خود را در دانشگاه لایپزیک آلمان تأسیس نمود، همه پژوهش‌هایی که از آن‌پس در مورد مسائل رشد آدمی، تفاوت فردی، هوش، انگیزش، یادآوری و فراموشی، ارزشیابی تحصیلی، شیوه‌های یادگیری و هر نوع پژوهشی که با آموزش و پرورش ارتباط داشته است، انجام گرفتند، ستون اصلی روان‌شناسی تربیتی را تشکیل می‌دهند.

آغاز روان‌شناسی تربیتی را باید بین سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۹۰۰ دانست. در این دو دهه است که تحقیقات تجربی در مورد خصوصیات انسان و قدرت‌های ذهنی او شروع گردید. این تحقیقات به سه دسته اندازه‌گیری، روان‌شناسی کودک و یادگیری



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقسیم می‌شوند. شاخه روان‌شناسی تربیتی را چندین نفر از پیشگامان روان‌شناسی، قبل از شروع قرن بیستم بنیان نهادند. نخستین کتاب روان‌شناسی تربیتی که به‌وسیله ثرندایک در سال ۱۹۱۳ انتشار یافت، به تحقیق در مورد طبیعت و فطرت آدمی تفاوت‌های فردی و قانون‌های یادگیری پرداخت و مسائل آموزشی را با روش‌های علمی توصیفی و آزمایشی مورد بررسی قرارداد.

ثرندایک را می‌توان را آغازگر تاکید بر سنجش و اندازه‌گیری و ارتقای شالوده علمی یادگیرندگان دانست. ثرندایک، عنوان کرد که یکی از مهم‌ترین تکالیف مدرسه، پرورش مهارت‌های استدلال در کودکان است. او مطالعه علمی آموزش و یادگیری را بنیان نهاد. به‌ویژه این باور را که روان‌شناسی تربیتی باید بنیان علمی داشته و به‌شدت بر اندازه‌گیری مبتنی باشد. روش ثرندایک برای مطالعه یادگیری، هدایت‌کننده روان‌شناسی تربیتی در طول نیمه اول قرن بیستم بود. رویکرد بی.اف. اسکینر که بر اساس باورهای ثرندایک بنا نهاده شده بود، تأثیر شگرفی بر روان‌شناسی تربیتی در دهه‌های میانی قرن بیستم گذاشت. دیدگاه رفتاری او، دربرگیرنده تلاش‌های وی برای تعیین دقیق بهترین شرایط یادگیری بود.

از پیشگامان دیگر روان‌شناسی تربیتی ویلیام جیمز است که بعد از تدوین اولین درس‌نامه روان‌شناسی با عنوان "اصول روان‌شناسی" به ارائه چندین سخنرانی با موضوع گفتگو با معلمان پرداخت. جیمز، خاطرنشان ساخت که روان‌شناسی آزمایشگاهی اغلب نمی‌تواند به ما بگوید که چگونه به‌طور اثربخش به کودکان آموزش دهیم. او بر اهمیت مشاهده تدریس و یادگیری در کلاس‌ها به‌منظور بهبود آموزش تأکید داشت. یکی از توصیه‌های وی این بود که معلمان برای کمک به رشد ذهنی کودکان باید درس را از نقطه‌ای شروع کنند که کمی فراتر از سطح دانش و فهم دانش‌آموز باشد. در کشور ما نیز درس پژوهی معلمان که از سال ۱۳۹۲ آغاز شده بر همین منوال استوار است. (خالقی ثمرین، ۱۳۹۴).

## موضوع روانشناسی تربیتی

چون هدف از روانشناسی تربیتی فهم درست تعلیم و تربیت است لذا موضوع این علم را سه عنصر عمده تعلیم و تربیت تشکیل می‌دهد که عبارت‌اند از:

۱. یادگیرنده یا شاگرد
۲. محیط یادگیری
۳. عملیه یادگیری با آموزش

**یادگیرنده:** در حقیقت یادگیرنده است که اساس روانشناسی تربیتی قرار می‌گیرد بدون یادگیرنده نه معلمی در کار است و نه روانشناسی تربیتی مقصد از یادگیرنده همان موجودی است که پیام طفل یا جوان موضوع بحث ما را تشکیل می‌دهند و هدف تعلیم و تربیت جز این نیست که همین موجود به‌دعای انکشاف خود برسد یعنی اینکه نیرومن و سالم بار آید پس روانشناسی تربیتی در اصل امکانات رشد همه جانبه یادگیرنده و مطالعه و بررسی می‌نماید معلم در پرتو اساسات روانشناسی تربیتی می‌تواند شاگردانش را چنانچه لازم است هدایت و رهنمایی نماید.

**محیط یادگیری:** عملیه یادگیری وقتی تحقق می‌یابد که یادگیرنده و محیط یادگیری فراهم باشد محیط یادگیری شامل همه اشیاء و حالاتی است که یادگیرنده را در عملیه یادگیری کمک می‌کند فقر و غنای محیط یادگیری مستقیماً بر عملیه یادگیری اثر می‌گذارد مثلاً مواد درسی وسایل آموزشی شرایط داخلی صنف شرایط محیط مکتب آب‌وهوا و همچنین معلم دانش معلم شخصیت وی مهارت مسلکی و پیش آمد وی با شاگردان و دست‌ورالعمل تربیتی وی همه چیزهایی‌اند که چگونه که چگونگی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کیفی آموزش شد یادگیرنده را تعیین می‌کند و با این روانشناسی تربیتی تمام این مؤثرات را تحت عنوان محیط آموزش مطالعه می‌کند تا زمینه رشد همه جانه شان فراهم گردد.

**عملیه یادگیری:** در پرتو تحقیقات روانشناسی انسان به موفقیت‌های زیادی دست‌یافته که این موفقیت‌ها زمینه‌های خوبی برای تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و روانشناسی تربیتی اصول و اساساتی را که روانشناسی عمومی به میان آورده است در جهت رشد و انکشاف استعدادها و سلوک و شخصیت یادگیرنده به کار می‌برد بر معلم است که این اصول و اساسات را چنانچه روانشناسی تربیتی مورد بررسی قرار می‌دهد به نفع یادگیرنده در جهت انکشاف کیفیت محیط آموزش مورد استفاده قرار دهد. (طباطبایی، قادری، ۱۳۹۶).

## موضوعات پایه‌ها یا ارکان اصلی روان‌شناسی تربیتی در هفت محور

۱. قوانین و عوامل مؤثر در فرایند یادگیری
۲. ویژگی‌های یادگیرنده یا تربیت شونده
۳. موضوع یادگیری با پیام متنی
۴. موقعیت یادگیری با شرایط انتقال پیام
۵. روش‌های تعلیم و تربیت
۶. ویژگی‌های مربی
۷. ارزیابی و ارزش سنجی (طباطبایی، قادری، ۱۳۹۶).

## محتوای روان‌شناسی تربیتی

دانش روان‌شناسی تربیتی، دارای اهمیت اساسی در حل مسائل تدریس و تربیت است. این علم یک‌رشته علمی مشخصی است که دارای نظریه‌های مخصوص به خود، روش‌های پژوهش، مسائل و فنون خاص خویش است. این علم دارای پنج وظیفه اساسی است که عبارت‌اند از: انتخاب هدف‌های تدریس و تربیت، شناخت ویژگی‌های شاگرد، شناختن و به کار بردن نظریه‌های مربوط به فرایند یادگیری و رشد، انتخاب و به‌کارگیری روش‌های تدریس و تربیت و ارزشیابی یادگیری و رشد شاگردان. (طباطبایی، قادری، ۱۳۹۶).

## کاربرد روان‌شناسی تربیتی

روان‌شناسی تربیتی می‌تواند در شناخت تفاوت‌های موجود میان یادگیرنده‌ها به یاری ما بشتابید. از آنجاکه هر یادگیرنده شخصی منحصر به فرد و یگانه است، آگاهی داشتن از تفاوت‌های فردی یادگیرندگان برای آموزش اثربخش و کارآمد ضروری است، روان‌شناسی تربیتی در شناخت و درک فرایندهای یادگیری و ماهیت دانش‌ها و مهارت‌هایی که انتظار داریم یادگیرندگان کسب کنند، به ما کمک می‌کند. روان‌شناسی تربیتی می‌تواند در بخش آموخته‌های یادگیرندگان و روش‌های تهیه ابزارهای سنجش کارآمد به ما کمک کند. (طباطبایی، قادری، ۱۳۹۶).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## اهداف روان‌شناسی تربیتی

روان‌شناسی تربیتی، بیشتر حاصل جمع دو علم روان‌شناسی و تربیت است. شناختی که از روان‌شناسی به دست می‌آید در فعالیت‌های کلاس درس و مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرد. این علم، یک علم پیچیده است و در دین، فلسفه و روان‌شناسی محض که شامل مطالعات آزمایشگاهی روی حیوانات است، ریشه دارد. از آنچه ذکر شد، می‌توان هدف‌های ویژه روان‌شناسی تربیتی را به اختصار این‌گونه بیان نمود:

**الف. فراهم کردن اطلاعات و شناخت‌های عملی یا کاربردی:** بینش در معنای کامل اصول روان‌شناسی تربیتی (شناخت، آگاهی و فهمیدن)، نه برای حفظ کردن یا به خاطر سپردن، بلکه به‌عنوان ابزاری که در آموزش و پرورش مؤثر، مورد استفاده قرار می‌گیرد. شناخت جنبه‌های مختلف رشد و تکامل و اثرهای محیطی آن. آشنایی با مفاهیم فنی برای کسب توانایی شناخت ادبیات شغلی، به‌منظور برقراری ارتباط با همکاران و درک بهتر مسائل حرفه‌ای در معلمی

**ب. مهارت‌ها و توانش‌ها:** مهارت در انتخاب، ساختن و کاربرد وسایل و فنون خاص ارزشیابی درسی و رشدی محصلان، توانایی هماهنگ ساختن کوشش‌های مدرسه با اصول رشد و تکامل محصلان، توانایی برانگیختن محصلان به حداکثر تلاش در رسیدن به هدف‌های مطلوب.

**پ. ایجاد رغبت، گرایش‌ها و ارزش‌گذاری:** شناخت محصل به‌عنوان یک ارگانیزم در حال رشد و تکامل، شناختن و درک ارزش و مقام او و اعتقاد نامحدود به اینکه محصل می‌تواند، رشد کند. یک ذهن باز و انتقادی نسبت به روش‌شناسی و درک نقش تحقیق در اصلاح آموزش و پرورش. رغبت فزاینده در روان‌شناسی یادگیرنده و کاربرد آن در کلاس. هدف غایی روان‌شناسی تربیتی عبارت است از، توانا ساختن معلم در کاربرد مفاهیم و اصول روان‌شناختی در اصلاح عمل آموزش و پرورش. (خالقی ثمرین، ۱۳۹۴).

## روش‌های پژوهش در روان‌شناسی تربیتی

۱. روش‌های کیفی

۲. روش‌های کمی

**کیفی:** در روش‌های کیفی ما با اعداد و ارقام سرکار نداریم و بیشتر به توصیف دقیق پدیده‌ها پرداخته می‌شود. مثل مورد پژوهی، بررسی میدانی، قوم‌نگاری، زمینه‌ای (مصاحبه و پرسشنامه)، اقدام پژوهی.

**کمی:** در روش‌های کمی ما با استفاده از اعداد و ارقام و گروه‌های کنترل و گروه آزمایش و نمونه‌گیری‌های خاص به مطالعه می‌پردازیم. روش همبستگی، روش آزمایشی (تک آزمودنی، گروهی).

**مورد پژوهی:** در مطالعه موردی ما وقتی یک شخصی داریم یا یک موقعیتی داریم که امکان تکرار آن موقعیت وجود ندارد بنابراین به‌صورت عمیق آن شخص یا موقعیت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم نکته‌ای که باید مورد نظر ما باشد اینکه نتایج حاصل از مورد پژوهی همیشه قابل تفسیر و تعمیم نیستند خیلی نمی‌توانیم بگوییم در بقیه افراد و بقیه موقعیت‌ها همین شرایط حاکم است.

**قوم‌نگاری:** این روش از مردم‌شناسی برگرفته شده است که هدف این روش این است که ویژگی‌های یک گروه را در روان‌شناسی تربیتی (گاهی یک کلاس یا یک موقعیت) مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد. مثلاً وقتی می‌خواهیم ببینیم نژادهای مختلف در یک



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلاس حضور دارند یا قومیت‌های مختلفی که هستند چطور می‌توانند با همدیگر تعامل داشته باشند یا دانشجویانی که سال اول وارد محیط دانشگاه بشوند و در کلاس حضور می‌یابد و به مطالعه رفتار و تعامل و واکنش‌های که افراد باهم دارند بپردازند.

**بررسی میدانی:** در این روش فرد در موقعیت طبیعی قرار می‌گیرد و از مشاهده طبیعی استفاده می‌کند گفتیم که مثل روش قوم‌نگاری در اینجا هم می‌توانیم به‌عنوان یک پژوهشگر در محیط حضور داشته باشیم.

**زمینه‌یابی:** ما به دنبال این هستیم که نگرش و باورها و ارزش‌های افراد را بسنجیم در مورد موضوعی می‌خواهیم ببینیم دانشجویان چه نظری داشتند مثل همان مورد مطالعه گسترده ویژگی‌های بهترین و بدترین معلمان رو داشتیم برمی‌شمردیم گفتیم که یک تحقیق زمینه‌یابی اجرا شد و افراد از طریق مصاحبه یا پرسشنامه میان نظر خودشان در مورد یک موضوعی ابراز می‌کنند البته این روش‌ها همه مختص روانشناسی تربیتی نیستند و در بقیه موارد (رشته‌ها) هم مورد استفاده قرار می‌گیرند ولی در روانشناسی تربیتی ما می‌توانیم از این روش‌ها استفاده کنیم. گرچه در زمینه‌یابی ما نتایج رو به‌صورت اعداد گزارش و کمی گزارش می‌کنیم ولی چون فقط صرف درصدها و نتایج به‌صورت کمی هستند در رده روش کمی قرار نمی‌گیرند.

## کمی

### روش همبستگی

۱. رابطه بین دو متغیر
۲. رابطه زمانی و رابطه پیش‌بینی
۳. ضریب همبستگی
۴. علامت ضریب همبستگی
۵. ارزش عددی آن همیشه بین ۱ تا ۱- است.
۶. مجذور ضریب همبستگی نشان‌دهنده درصد مشترک بین ۲ متغیر موردنظر است.
۷. عدم تعین رابطه علیت بین متغیرها

### روش آزمایشی

۱. دستکاری یک یا چند عامل و ثابت نگه‌داشتن بقیه عوامل
۲. علاوه بر توصیف و پیش‌بینی به رابطه علت معلولی بپردازد.
۳. دقیق‌ترین و معتبرترین نوع پژوهش یادگیری
۴. امکان کنترل دقیق متغیرها تفاوت این روش با سایر روش‌های علمی
۵. اصل مهم دیگر انتخاب تصادفی است.
۶. متغیر مستقل و متغیر وابسته
۷. انجام به دو صورت گروهی و انفرادی
۸. وجود دو گروه آموزش و کنترل در پژوهش گروهی.

### پژوهش آزمایشی





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱. دست‌کاری یک یا چند عامل و ثابت نگه‌داشتن بقیه عوامل
۲. علاوه بر توصیف و پیش‌بینی به رابطه علت معلولی بپردازد
۳. دقیق‌ترین و معتبرترین نوع پژوهش یادگیری
۴. امکان کنترل دقیق متغیرها تفاوت این روش با سایر روش‌های علمی. (سعیدی، ۱۳۹۹).

## تاریخ تحول روانشناسی تربیتی در جهان

روانشناسی تربیتی، مانند دیگر شاخه‌های روانشناسی و تعلیم و تربیت، از علوم انسانی، فلسفه و نیز فلسفه تربیت جدا شده است. این حوزه از دانش نمی‌تواند مدعی آن باشد که برای نخستین بار به تحلیل نظام‌دار فرایندهای آموزشی دست‌زده است، زیرا در زمان‌های بسیار دور نیز چنین کوشش‌هایی، به‌گونه‌ای ذهنی و ساده، صورت می‌گرفته است. حتی مریانی چون «کنفوسیوس و دموکریتا و سقراط و فردوسی و سعدی و کمنیوس» و روسو نیز به بررسی و طبقه‌بندی و اظهارنظر در محتوا و روش‌های آموزشی و تربیتی پرداخته بودند. کوشش‌های بسیاری از این مریان در کشورهای خودشان، مثلاً در چین و یونان و ایران، تداوم قابل‌ذکری نیافت. اما در اروپا و آمریکا، از قرن نوزدهم به بعد، دانشمندی چون ویلیام جیمز، استانلی هال ماریا مونته‌سوری، آلفرد بینه، یو ویگوتسکی، ژان پیاژه، جروم بروئر و دیگران به کوشش‌های جدید دست زدند و دانش جدید روانشناسی تربیتی را بنیان نهادند.

تمایز اساسی روانشناسی تربیتی در گذشته و حال اساساً در به‌کارگیری روش‌های علمی جدید پژوهشی، یعنی مشاهده نظام‌دار و تجربه‌گرایی در مسائل تدریس و تربیت است که در گذشته معمول نبود. حتی در آغاز شکل‌گیری روانشناسی تربیتی در اواخر قرن نوزدهم، تردیدهایی در اصالت علمی این رشته می‌شده است. مثلاً ویلیام جیمز می‌گفت: «روانشناسی از نوع دانش و تدریس از نوع هنر است و دانش را نمی‌توان مستقیماً از هنر استخراج کرد، بلکه به ذهنی نوآور نیازمندیم که از عهده چنین کاری برآید» (ویلیام جیمز، ۱۸۹۹/۱۹۸۳). اما این نظر در همان سال‌ها تغییر کرد و دانشمندی چون استانلی هال و ادوارد ثرنادیکه بر علمی بودن روانشناسی تربیتی پافشاری کردند مطالعات ثرنادیک و نظریه شرطی سازی ابزاریه او زمینه را برای مطالعات مربوط به آموزش برنامه‌ای، یادگیری تاحد تسلط و یادگیری به کمک کامپیوتر فراهم آورد. (لطف آبادی، ۱۳۸۷).

## استفاده از روانشناسی در امر تعلیم

برای معلمی که آشنا به اصول روانشناسی باشد خیلی آسان است که به درجه استعداد و توانایی‌های شاگردان پی برده مطابق ذوق و فهم آن‌ها درس را تعدیل کند. به‌عبارت‌دیگر به یک نگاه به چهره‌ای شاگردان درک نماید که کدامیک از شاگردان درس را فهمیده و کدامیک نفهمیده است گذشته از این معلم می‌تواند از وسایل سمعی و بصری استفاده کند یعنی بعضی قسمت‌های درس را به‌طور زبانی بیان کند و برخی را به‌وسیله نوشتن به شاگردان بفهماند

## استفاده از روانشناسی در امر پرورش

اطفالی هستند که ظاهراً خیلی بی‌ادب و بدرفتارند و توجه معلمان در آنان اثر نداشته و خودسر شناخته می‌شوند، بعضی معلمان به علت اینکه اطفال تحت تربیتشان قابل اصلاح نمی‌باشند آن‌ها را به حال خود او می‌گذارند ولی معلمی که از قوانین روانشناسی آگاه است کوشش می‌کند به علل کسالت و کج‌خلقی طفل پی برده و با دقت او را تحت نظر بگیرد تا بتواند راه



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

درمان و کسالت روحی او را پیدا نماید. ممکن است طفل روحاً خسته باشد، شاید از طرف معلم با رفقای مکتبی یا پدر و مادرش آزرده‌گی‌هایی داشته می‌داند چه طور او را تشویق و به کار اندازد نسبت به اطفال حساس نباید بی‌مورد کوچک‌ترین خشونت‌ها را رواداشت زیرا یک اخطار برای مدت زیادی آن‌ها را آزرده و در نتیجه خسته و بی‌حوصله می‌سازد بالعکس با مختصر مهربانی می‌توان کج خلق‌ترین اطفال را به اطاعت واداشت. (طباطبایی، قادری، ۱۳۹۶).

## روانشناسی اسلامی چیست؟

علمی است با قدرت کاربرد سازی دستورات رفتاری اسلام (فقه) و دستورات معرفتی اسلام (عرفان) و دستورات اخلاقی اسلام (صفات) بطوریکه انسان شدن، انسان بودن و انسان ماندن برای همه بشریت آسان و کاربردی و راهبردی شود. تئوری جدیدی است با قابلیت اسلام را به‌عنوان یک ایدئولوژی نوین از نگاه تخصص روانشناسی بررسی کردن و ایده‌هایش را بکار بردن. یعنی عملی ساختن کلام نقلی و کلام عقلی اسلام به‌صورت روزمره و مفید با روش‌های کاربردی روانشناسی روز و یعنی تبدیل واژگان آسمانی قرآن به معرفت، رفتار و اخلاق انسانی قابل‌اندازه‌گیری و از طریق تست‌های روانشناسی یعنی به‌فعل درآوردن غنایم تربیتی ائمه اطهار در جوامع مدرن بشر امروز و فردا یعنی الهام‌گیری از اصول و فروع دین اسلام و به‌کارگیری آن‌ها در ادبیات تعلیم و تربیت انسانی و ادغام در اصول روانشناسی مدرن یعنی همساز کردن دستورات انسان‌ساز اسلام با روش‌ها و تکنیک‌های مدرن روانشناسی و بلعکس هماهنگ نمودن اصول روانشناسی با ابعاد معرفتی، رفتاری و اخلاقی اسلامی یعنی به چالش کشیدن روانشناسی مدرن امروز در پاسخگویی به نیازهای معنوی بشر امروز و فردا یعنی بازسازی هویت و شخصیت انسان امروز و فردا با تغییر و اصلاح ابعاد معرفتی، رفتاری و اخلاقی او یعنی تولید علمی نوین در فرهنگ تربیتی انسان امروز و پرورش متخصصین روانشناسی اسلامی بعنوان برترین و آخرین رسالت تربیتی الهی که مجهز به ابزار کاربردی علم روان‌شناسی روز است. (طباطبایی، قادری، ۱۳۹۶).

## مقایسه تعلیم و تربیت اسلامی با غیر اسلامی و غرب:

۱. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، جامعه موضوع اصلی است و در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی انسان
۲. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، در طلب قدرت است تعلیم و تربیت اسلامی در طلب حقیقت است.
۳. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به‌سوی تکنولوژی متمایل است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به‌سوی ایدئولوژی متمایل است.
۴. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به‌سوی سود تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به‌سوی ارزش‌ها
۵. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به‌سوی آموزش تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به‌سوی پرورش
۶. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً به‌سوی رفتار اجتماعی در تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً به‌سوی اخلاق اسلامی
۷. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً انسان وسیله برای نیاز جامعه در تعلیم و تربیت اسلامی و هدف است و نیاز جامعه وسیله
۸. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً شعار آسایش و سعادت است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً شعار زیبایی و کمال است.
۹. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً تأمین لیاقت در انسان است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً تأمین فضیلت در انسان است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۰. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً روح پراگماتیسم (تربیت وسیله‌ای برای ارضاء نیازها و خواسته‌های فرد و خاستگاهی روان‌شناختی و زیست‌شناختی دارد) تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً روح وحدت (همه از خدایم و به سوی خدا می‌رویم) حاکم است.
۱۱. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً جهت‌گیری آزاد است تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً جهت‌گیری متعهدانه است.
۱۲. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، بیش واقع‌گرایی (رنالیسم است) تعلیم و تربیت اسلامی ایدئال‌گرایی و انسان کامل است.
۱۳. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، رسالتش توجیه انسان در نظام اجتماعی است تعلیم و تربیت اسلامی توجیه انسان در نظام خلقت است.
۱۴. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، گرایش به سوی تمدن است تعلیم و تربیت اسلامی گرایش به سوی فرهنگ است.
۱۵. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، سازنده اجتماع است تعلیم و تربیت اسلامی سازنده امت است.
۱۶. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، بر اساس بودن انسان استوار است تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس اراده استوار است.
۱۷. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، زیربنای فکری علم است تعلیم و تربیت اسلامی زیربنای فکری حکمت است.
۱۸. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، رشد جهان آگاهی است تعلیم و تربیت اسلامی رشد خودآگاهی است.
۱۹. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً انسان مقتدر می‌سازد تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً انسان خوب می‌سازد.
۲۰. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، جامعه متمدن می‌سازد تعلیم و تربیت اسلامی انسان متمدن می‌سازد.
۲۱. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً کسب تسلط بر طبیعت و محیط تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً کسب تسلط بر خویشتن است.
۲۲. در فلسفه تعلیم و تربیت غربی، نتیجتاً انسان را در خدمت خویش به صلاح جامعه قرار می‌دهد تعلیم و تربیت اسلامی نتیجتاً جامعه به صلاح فرد در جهت کمال انسان قرار دارد.

## گرانبخ معتقد به چهار خاصیت در روانشناسی تربیتی است که عبارت‌اند از:

۱. روانشناسی تربیتی باید با مشکلات مدرسه مربوط باشد و اگر محدود به مطالعات آکادمیک باشد فایده مطلوب از آن به دست نخواهد آمد، اگر معلم یا دانشجوی تربیت‌معلم رابطه اصول را با محیط درس تشخیص ندهد، محتملاً یادگیری آن اصل تغییری در رفتار وی پدید نخواهد آورد.
۲. روانشناسی تربیتی باید بر بنیاد پژوهش استوار باشد. معلم همواره در معرض حمله کسانی است که فقط می‌دانند چگونه باید هدفها و روش کار را تغییر داد. همه این بدعت‌گذاران با ظاهری حق‌به‌جانب درباره اندیشه‌های خود سخن می‌گویند، اما معلمی که همواره چشم‌پراه شواهد تازه است، می‌داند که از همه این نقشه‌ها فقط تعداد معدودی ارزش جدی دارند. روانشناسی تربیتی نباید در ترویج روش‌های تربیتی که در محافل حرفه‌ای شهرت دارند، سهمی داشته باشد، بخصوص در جایی که روش‌های دیگری نیز به همان اندازه با شواهد منطبق باشند.
۳. روانشناسی تربیتی باید چندان پیچیده باشد که در گفتگو از رفتار آدمی حق مطلب را ادا کند. دانشجو از بیان پیچیده بودن هراسان می‌شود، از تعمیم‌های ساده این علم درباره مردمان و دستورالعمل‌های آن برای افراد ناراضی‌تر خواهد شد.
۴. روانشناسی تربیتی باید روشن باشد. معلمان زمانی خوب تربیت می‌شوند که روانشناسی تربیتی را درست فهمیده باشند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵. روانشناسی تربیتی را باید روشن و با مثال‌های عینی مصداق اصول آن مطرح نمود. (فریدونیان، ۱۳۵۱)

## جان دیویی

پیشگام دیگری است که در شکل‌گیری روان‌شناسی تربیتی نقش بسزایی در کاربرد علمی آن داشت. دیویی، اولین آزمایشگاه روان‌شناسی تربیتی را در سال ۱۸۹۴ در دانشگاه شیکاگو در ایالات متحده امریکا راه‌اندازی کرد. نخستین ایده او این بود که به کودک به‌عنوان یادگیرنده‌ای فعال بنگریم، قبل از دیویی، اعتقاد بر این بود که کودکان باید ساکت در صندلی‌های خود بنشینند و منفعلانه و طوطی‌وار مطالب را یاد بگیرند. درحالی‌که او معتقد بود که کودکان از طریق عمل کردن به بهترین شکل یاد می‌گیرند. ما مدیون این ایده او هستیم که در آموزش باید کودک را به‌صورت کلی در نظر گرفت و بر انطباق او با محیط تأکید کرد. او اعتقاد داشت که کودکان را نباید تنها با موضوع‌های تحصیلی مورد آموزش قرارداد بلکه آن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه فکر کنند و با دنیای بیرون از مدرسه انطباق یابند. به‌ویژه وی فکر می‌کرد که کودکان باید یاد بگیرند که چگونه مسائل را حل کنند. دیویی، زمانی این ایده آزادمنشانه را مطرح کرد که کیفیت آموزش تنها برای عده کمی از کودکان، به‌ویژه پسران خانواده‌های مرفه، مطرح بود. وی یکی از روان‌شناسان و مربیان بانفوذ بود که بر آموزش مناسب برای همه کودکان گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و قومی اصرار داشت. (خالقی‌تمرین، ۱۳۹۴).

## نتیجه‌گیری

روان‌شناسی تربیتی شاخه‌ای از تعلیم و تربیت است که هدف آن تغییر در رفتار است و روشن است که هدف اخیر جنبه ارزشی و فرهنگی دارد. این شاخه از روان‌شناسی نه‌تنها شامل فرایند یادگیری اوایل کودکی و نوجوانی است بلکه شامل فرایندهای اجتماعی، عاطفی و شناختی است که در کل طول عمر در یادگیری نقش دارند. رشته روان‌شناسی تربیتی تعدادی رشته دیگر را شامل می‌شود، از جمله روان‌شناس رشد، روان‌شناس رفتاری و روان‌شناس شناختی. برای پیشرفت این رشته روان‌شناسان و نظریه‌پردازان زیادی تلاش کرده‌اند از جمله:

**ویلیام جیمز:** معتقد بود برای بهبود آموزش باید بر مشاهده تدریس و یادگیری تمرکز کنیم.

**جان دیویی:** معتقد بود کودکان یادگیرندگان فعال هستند و نباید در کلاس درس ساکت بنشینند و باید مشارکت کنند.

**ژرندایک:** وی بحث سنجش و اندازه‌گیری علمی را مطرح کرد و معتقد بود که باید در مدارس مهارت‌های استدلال کردن پرورش یابد.

پژوهش در این رشته علمی روی فرایندهایی که اطلاعات، مهارت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها به‌وسیله آن‌ها بین آموزگاران و دانش‌آموزان در کلاس انتقال می‌یابند و بر کاربردهای اصول روان‌شناسی در کاربست‌های آموزشی تأکید دارند. روش‌های پژوهش در روان‌شناسی پرورشی شامل دودسته پژوهش‌های کمی و کیفی می‌باشند. عمده‌ترین روش‌های پژوهش کمی، روش همبستگی و روش آزمایشی هستند. از آنجا به این دو روش کمی می‌گویند که در آن‌ها به متغیرهای مورد مطالعه ارزش عددی داده می‌شود تا از لحاظ آماری تحلیل‌پذیر شوند. پس اهمیت روان‌شناسی تربیتی زمانی خود را نشان می‌دهد که بدانیم تغییرات کوچک در نحوه یادگیری دانش‌آموزان یا استفاده از راه‌های متنوع و جدید برای کشف استعدادها و آن‌ها چه تأثیر فوق‌العاده‌ای بر آینده آن‌ها به‌عنوان یک فرد و در نهایت دور نمای کلی یک جامعه خواهد داشت. به همین دلیل اهمیت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روانشناسی تربیتی هرروز بیشتر برای مسئولین و البته والدین آشکار می‌شود و آن‌ها از راهکارهای علمی این شاخه از روانشناسی بیشتر استفاده می‌کنند. در نتیجه، تربیت کودکان در دوره ابتدایی از اهمیت بسیاری برخوردار است و معلمان باید با استفاده از روش‌های مناسب و با توجه به وضعیت هر دانش‌آموز، فعالیت‌های تربیتی را انجام دهند. همچنین، باید به دقت به نیازها و مشکلات دانش‌آموزان توجه کنند و راهکارهای مناسبی برای حل آن‌ها ارائه دهند. بررسی مفهوم تربیت از منظر روانشناسی می‌تواند به معلمان کمک کند تا بهترین روش‌های آموزش و پرورش را برای دانش‌آموزان خود انتخاب کنند و در نهایت به رشد و توسعه فرد کودکان خود کمک کنند.

منابع



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱. ابراهیم کافوری، اکرم (۱۳۸۹)، تدوین و اعتبارسنجی الگویی برای ارزشیابی کتاب‌های درسی بر اساس رویکرد روانشناسی یادگیری و تربیتی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۶۱ تا ۹۲.
۲. حسینی، سید علی‌اکبر (۱۳۸۹)، روانشناسی تربیتی، مجله معرفت، شماره ۶۴.
۳. خالقی ثمرین، عادل (۱۳۹۴)، کلیات روانشناسی تربیتی.
۴. سعیدی، علی (۱۳۹۹)، روانشناسی تربیتی و کاربرد آن در آموزش، صص ۱۴ تا ۱۷.
۵. طباطبایی، سیدموسی؛ قادری، فرید (۱۳۹۶)، روانشناسی تربیتی و تأثیر آن در امر آموزش، صص ۱۰۰-۱۰۸.
۶. علیپور، شیوا؛ بابایی، محمدمهدی؛ عباسی، محمد؛ داوودی، حسین (۱۳۹۷)، تحلیل محتوایی و استنادی مقالات فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، سال چهاردهم، شماره ۴۹، صص ۱۷ تا ۸۵.
۷. فریدونیان، پری (۱۳۵۱)، تألیف: بی جی گرانباخ، روانشناسی تربیتی.
۸. کریمی، یوسف (۱۳۸۰)، روانشناسی تربیتی، تهران، ارسباران، چاپ اول.
۹. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۷)، روانشناسی تربیتی در ایران و غرب: در گذشته، حال و آینده.
۱۰. نصرالهی، نرجس (۱۳۸۹)، بررسی روانشناسی تربیتی از نگاه قرآن، صص ۱۵۳-۱۸۷.
۱۱. وول فولک وین و پری (۲۰۰۶)، روانشناسی تربیتی (trd, ویرایش کانادایی). تورنتو، کانادا: پیرسون.